



سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران

پریسا حبیبی سورکی^۱، محمدباقر مکرمی پور^۲، خلیل غلامی^۳

چکیده

روسیه و اوکراین دو ملت متفاوت اما متعلق به نژاد اسلاو هستند که دارای پیشینه‌ای تاریخی و فرهنگی مشترک می‌باشند. در دوران جنگ سرد، اوکراین به همراه روسیه و بلاروس به عنوان سه جمهوری خودمختار اتحاد جماهیر شوروی، از استقلال عمل نسبی در عرصه بین‌المللی برخوردار بودند. در همان زمان، نوعی رقابت درون‌ساختاری میان این سه جمهوری نیز وجود داشت. پس از فروپاشی شوروی، هر سه کشور از نخستین جمهوری‌هایی بودند که از درون نظام شوروی استقلال یافتند و به سرعت از سوی جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شدند. در پی تنش‌های سیاسی و نظامی میان روسیه و اوکراین که نهایتاً به آغاز جنگ در سال ۲۰۲۲ منجر شد، تحولات ژرفی در نظم بین‌الملل پدید آمد و این جنگ پیامدهایی مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر جای گذاشت. از آنجا که رویکرد ایران در قبال این جنگ محتاطانه و مبتنی بر ملاحظات چندجانبه بوده است، پرسش اصلی این پژوهش چنین مطرح می‌شود:

جنگ روسیه و اوکراین چه پیامدهایی بر امنیت ملی ایران دارد؟

در همین راستا، این پژوهش با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی و در قالب سه سناریوی تحلیلی

به بررسی موضوع می‌پردازد:

۱- دانش‌آموخته دکترای روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
parisa.habibi87@gmail.com

۲- دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۳- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، ایران.



الف) پیروزی اوکراین بر روسیه،

ب) پیروزی روسیه بر اوکراین،

پ) فرسایشی شدن و بن‌بست در جنگ.

بر این اساس، مطالعه حاضر در پی آن است که ضمن تحلیل روندهای جاری و متغیرهای مؤثر در جنگ روسیه و اوکراین، ابعاد مختلف تأثیر این منازعه بر امنیت ملی ایران را در هر یک از سناریوهای محتمل مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

واژگان کلیدی: روسیه، اوکراین، جنگ، امنیت ملی، ایران

مقدمه

امنیت، مفهومی چندساحتی و مشتمل بر حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی و فناوری است. این رویکرد پنج‌گانه، به‌ویژه در حوزه مطالعات راهبردی - که هدف نهایی آن تدوین راهبردها و سیاست‌های عملی است - کاربرد فراوان دارد. مفهوم امنیت، علاوه بر کاربرد متکثر و چندحوزه‌ای خود، حلقه واسطی میان همین حوزه‌ها نیز به‌شمار می‌رود؛ زیرا ساحت‌های متکثر امنیت بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند (استادی و عرب‌بافرانی، ۱۳۹۹: ۳).

پس از استعاله اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در سال ۱۹۹۱، نظم تک‌قطبی با محوریت ایالات متحده آمریکا جایگزین نظام دوقطبی شد. نظم جهانی دوقطبی - که از آن با عنوان «جنگ سرد» یاد می‌شود - از سال ۱۹۴۵ و هم‌زمان با پایان جنگ جهانی دوم آغاز و در سال ۱۹۹۱ با فروپاشی شوروی به پایان رسید؛ رخدادی که منجر به تشکیل کشورهای جدیدی در شرق اروپا، قفقاز و آسیای میانه شد. از جمله این کشورها، اوکراین و روسیه‌اند که پس از فروپاشی شوروی استقلال خود را به‌دست آوردند.

با بررسی وضعیت پس از فروپاشی می‌توان روسیه را به‌عنوان میراث‌دار شوروی سابق تعریف کرد. روسیه در هنگام استقلال خود، میان دو راهی سوسیالیسم و لیبرال‌دموکراسی قرار گرفت و ناچار بود هویت سیاسی خود را بازتعریف کند. از این‌رو، در سال‌های نخست استقلال روسیه و سایر جمهوری‌های جداشده از شوروی، روسیه با ایجاد اطمینان برای این کشورها، کوشید

وجهه‌ای پدرا نه برای خود به دست آورد و همچنان جغرافیای فروپاشیده شوروی سابق را با تکیه بر قدرت نرم فرهنگی در حوزه نفوذ خود نگه دارد.

یکی از ابعاد این سیطره، نوع ارتباط روسیه با اوکراین است که همواره با فراز و نشیب همراه بوده است. در این پژوهش، به جدیدترین رخداد میان این دو کشور - یعنی جنگ - پرداخته می‌شود و تأثیرات این منازعه بر امنیت ملی ایران، بر اساس سه پلان تحلیلی (الف) پیروزی اوکراین، (ب) پیروزی روسیه و (پ) فرسایشی شدن و بن‌بست در جنگ، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به توضیحات ارائه شده، سؤال اصلی پژوهش چنین است:

جنگ روسیه و اوکراین در قالب چه سناریوهایی قابل بررسی است و هر سناریو چه پیامدهایی بر امنیت ملی ایران دارد؟

بر همین اساس، و نظر به آنکه عنوان پژوهش در چارچوب پیش‌بینی تحولات سیاسی منازعه روسیه و اوکراین تنظیم شده است، فرضیه مقاله نیز بر مبنای سه سناریوی یادشده شکل گرفته است.

پیشینه پژوهش

جباری (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان بررسی روابط روسیه و آمریکا پس از بحران اوکراین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی (۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰)، تلاش می‌شود تا بر اساس روش توصیفی - تحلیلی نگارش شده و همچنین روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بر آن است تا تأثیرات بحران اوکراین بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد (جباری، ۱۴۰۱: ۸۷).

وثوقی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان تحولات اوکراین و تأثیر آن بر نظام بین‌الملل، با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این سوال است که تحولات سال ۲۰۱۳ اوکراین چه آثار و پیامدهایی بر نظام بین‌الملل داشته است همچنین یافته‌های پژوهش مذکور حاکی از آن است که عمده ترین تأثیر این تحولات در سال ۲۰۱۳، نزدیکی روسیه و چین و تقویت توازن قوا در قرن بیست و یکم است (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۵).



فلاحی و عامری (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان ریشه‌های بحران اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران درصدد پاسخ به این سوالات است که ریشه‌های بحران ۲۰۱۴ اوکراین چیست؟ و تقابل روسیه و آمریکا در بحران اوکراین چه تاثیری بر منافع ملی ایران دارد همچنین فرضیه پژوهش این است بحران اوکراین ریشه در رقابت روسیه و آمریکا در این کشور دارد که در انقلاب‌های نارنجی، آبی و بحران ۲۰۱۴ به منصفه ظهور نیز رسیده است (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۶۵)

شیرمحمدی (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان رویایی تقابل روسیه و غرب در اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی ایران، در پی پاسخ به این سوال است که فواید اصلی منافع ملی سیاسی و عرصه‌های آن دفاعی، نظامی، اقتصادی، منطقه ای و غیره ایران در جنگ روسیه و اوکراین کدامند همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که از فرصت‌های به وجود آمده ناشی از رویایی موازنه قوا روسیه و آمریکا در بحران اوکراین، ایران نیز می تواند در راستای توسعه صادرات و واردات کشور و تقویت هژمونی قدرت خود به عنوان بازیگر فعال در عرصه منطقه و جهان بهره‌مند گردد (شیر محمدی، ۱۴۰۲: ۸۷)

از نظر جنبه نوآوری باید اذعان نمود که در پژوهش حاضر کوشش شده است برخی کاستی‌های موجود در تحلیل‌های پیشین برطرف گردد. زیرا برخی کارها صرفاً تحول محور بودند ضمن آن که بسیاری نیز تک‌بعدی به موضوع نگریسته اند اما پژوهش حاضر به جهت رویکرد نوینی که مدنظر دارد درصدد است با روش آینده‌پژوهی در قالب سه سناریو تا به درک وسیع‌تر و جامع‌تری از بررسی جنگ روسیه و اوکراین و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران بپردازد.

روش‌شناسی پژوهش

آینده‌پژوهی روشی است که می‌کوشد با بکارگیری تکنیک‌های متداول و معقول در پژوهش پیش‌بینی کند. در حالی که غیب‌گویی یا پیشگویی اقدامی است برای کاربست عوامل غیرمتعارف و غیرمای از قبیل سحر و جادو و شانس و الوهیت در کشف مجهول یا حقیقت (رکابیان و همکاران ۱۳۹۹: ۴)

آینده‌پژوهی دانشی جدید است که می‌کوشد به بررسی سناریوهای ممکن و مطلوب برای آینده‌پردازد و زمان آینده را از مکانی پر از جهالت و نادانی و یا ترس و خوف به مکانی پر از امید و توانایی برای ساختن آن بدل کند و رواج گسترده خود در سطح جهان را مدیون گسترش و رونق کمی و کیفی خود در ایالات متحده می‌داند. برای دهه‌های متمادی عمده تحولات مهم دانش آینده‌پژوهی چه در نوآوری‌های نظری و مفهومی چه در ایجاد روش‌های لازم برای تحقیق و پژوهش آینده‌نگارانه و چه در تأسیس نهادهای مهمی که به عنوان متکفل این دانش شناخته می‌شوند، در جامعه آمریکا رخ داده است اما بعد از اگرچه قبل از جنگ جهانی دوم بنیان‌های آینده‌پژوهی در این کشور ریخته شده بود این جنگ که همزمان با خروج آمریکا از انزوای نسبی خود خواسته و ورود آن به عرصه نظام جهانی بود احساس نیاز به یافته‌های آینده‌پژوهان بیشتر شده و این کشور به مکان مناسبی برای انجام تحقیقات آینده‌پژوهان بدل شد.

بنابراین آینده‌پژوهی، فرایندی است که طی آن درک کامل‌تری از نیروهای شکل دهنده، در تدوین و تنظیم سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در نظر گرفته شود. آینده‌پژوهی همچنین شامل ابزارهای کمی و کیفی برای پایش سرنخ‌ها و شکل‌گیری روندها و توسعه‌هاست. آینده‌پژوهی نیازها و فرصت‌های آینده را به سازمان نشان می‌دهد و به تعدیل راهبرد کمک می‌کند تا در مقابل تغییرات شرایط زمانه، مناسب‌تر، انعطاف‌پذیرتر و مقاوم‌تر باشد (استادی و عرب بافرانی، ۱۳۹۹: ۹).

یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، سنارنویسی است در واقع، سناریونویسی آن قدر بر اهداف آینده‌پژوهی منطبق است که آن را مهم‌ترین ابزار آینده‌پژوهی به حساب می‌آورند (جاویدی و بهروزی لک، ۱۳۹۶: ۶).

سناریو ابزاری برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده است به سبب گوناگونی عوامل و نیروهای سازنده و پیچیدگی و تعامل میان آن‌ها، هرگز نمی‌توان آینده را به طور دقیق پیش‌بینی کرد از این روی، متخصصان آینده‌گری انتخاب محتمل‌ترین تصویر آینده را چندان درست نمی‌دانند چراکه باید سناریوهای مختلفی را برای برنامه‌ریزی به کار برد (اسکندری، ۱۳۹۲: ۳۴).



سناریو نگاری از جمله روش های مطرح و پر کاربرد در آینده پژوهی است که پیتتر شوارتز آن را ابزاری برای نظم بخشیدن به درک از آینده های بدیل تعریف میکند (شوارتز، ۱۳۸۸). یک سناریوی مناسب می بایست موجه و معقول باشد سازگاری درونی داشته باشد، روابط علی را توصیف کند، در تصمیم گیری ها به کار آید، آینده محتملش به گذشته مرتبط باشد، عنوانی مناسب داشته باشد و تمایز آن با دیگر سناریوهای محتمل مشخص باشد (نایب، ۱۳۹۳). پژوهشگران بر دو مفهوم عوامل و عدم قطعیت های کلیدی در ساخت سناریو تأکید دارند (چرماک، ۱۳۹۳) دو مفهومی که در روش ابداعی شوارتز بسیار کلیدی هستند. روش وی که ابتدا در دهه ۱۹۷۰ برای مشاوری به شرکت نفتی شل استفاده شد به شبکه جهانی کسب و کار ۲ شهرت یافت که به اختصار GBN خوانده می شود شوارتز مراحل سناریو نگاری در این روش را چنین بر می شمارد (شوارتز، ۱۳۸۸)

۱. شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی تعریف موضوع پروژه یا اهداف اصلی سازمان که اثرهای بلندمدتی دارند هر چقدر گستره تصمیم یا موضوع مورد بحث محدودتر باشد، تدوین سناریوها آسان تر خواهد بود.

۲. شناسایی عوامل کلیدی فهرستی از عواملی که بیشترین تأثیر مستقیم را بر هدف اصلی دارند، احصا می شود هدف از این، گام فهم تحلیلی از موضوع سناریو نگاری است.

۳. شناسایی پیشران های محیطی تهیه فهرست کلان روندهای هدایت کننده در محیط داخلی و خارجی که بر عوامل کلیدی شناخته شده در مرحله قبل مؤثر هستند این نیروها به عوامل کلیدی شکل بخشیده و وضعیت آنها را مشخص می کند این کلان روندها و پیشران ها می توانند اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فناوری و یا زیست محیطی باشند.

۴. طبقه بندی روندهای عوامل کلیدی بر مبنای اهمیت و قطعیت در این مرحله روندهای پیشران بر اساس دو معیار تقسیم بندی می شوند؛ درجه اهمیت و میزان عدم قطعیت نکته اصلی در این گام شناسایی تعداد محدودی از پیشران های مؤثر بر عوامل کلیدی است که با اهمیت تر از دیگر موارد بوده و در عین حال با بیشترین عدم قطعیت همراه باشند. در این راستا بهتر آن است

که در مرحله قبل پس از تهیه فهرست اولیه پیشران‌ها، به ترکیب منطقی و آنها همت گماشته شود تا عناصری کلان‌نگر و در عین حال سازگار، شناسایی شوند (تاجیک و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴).

۵. منطق‌دهی به سناریوها: نتیجه مرحله، پیشین‌محورهایی است که سناریوهای نهایی بر اساس آنها تعیین و متمایز می‌شوند زیرا هدف نهایی نیل به سناریوهایی است که تفاوت‌های موجود بین آنها قابل توجه بوده و آینده‌های گوناگونی را رقم بزنند در این گام، احتمال‌های متفاوت هر یک از کلان روندهای مؤثر بر عوامل کلیدی مرحله پیشین که عدم قطعیت اهمیت بیشتری دارند تبیین می‌گردد و خط اصلی تفاوت سناریوها مشخص می‌شود.

۶. داستان‌واره‌ها: سپس با توجه به روند پژوهی پیشین و جزئیات مرتبط با موضوع اصلی داستان‌واره یا سناریوهای اصلی به تصویر کشیده می‌شوند هر یک از عوامل کلیدی و کلان روندهای اصلی در ترسیم سناریوها می‌بایست مورد توجه قرار گیرند. هر سناریو باید منطق ساختاری و مفروض‌های کلیدی را نشان داده و مشخص گردد در هر یک کدام حالت از حالت‌های مرحله قبل رخ می‌دهد.

۷. مضامین: بعد از تبیین سناریوها با رجوع به موضوع و هدف اصلی پژوهش، مطلوبیت هر یک از سناریوها با توجه به ایده اصلی، پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد تصمیم‌های احتمالی سازمان یا دولت مورد نظر در هر یک از سناریوها تحلیل می‌شود اگر تصمیم یا مجموعه تصمیم‌هایی تنها در یک سناریو مورد توجه قرار گیرند ریسک آنها افزایش می‌یابد.

۸. شاخص‌های سناریوها در مرحله آخر علائم راهنمایی تعیین می‌شود که به واسطه نظارت بر روند تحقق آنها بتوان نزدیک شدن به یک سناریو را تشخیص داد. در این گام می‌بایست به این پرسش پاسخ داده شود که کدام عناصر نیازمند پایش هستند و چه تهدیدها یا فرصت‌هایی در هر یک سناریوها نهفته است در نهایت با نامگذاری مناسب و نگارش متناسب با بافت سازمانی سناریوها تدوین و ارائه می‌شود (تاجیک و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵)..



۱ - فدراسیون روسیه و اوکراین

در اهمیت اوکراین همین بس که برخی از نظریه پردازان معاصر، محدوده این کشور را «سرزمین حیاتی» می نامیدند. (رستمی و زینلی بادی، ۱۴۰۰: ۱۳۳) همچنین این کشور به لحاظ وسعت پس از فرانسه دومین کشور بزرگ اروپا است. (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۶۶) و اینکه اوکراین در زمان اتحاد جماهیر شوروی، از نظر سیاسی و اقتصادی پس از روسیه دومین قدرت بزرگ در آن مجموعه بود. اگرچه به لحاظ وسعت پس از قزاقستان در جایگاه سوم قرار داشت (Zashev, 2005:5). کشور اوکراین به لحاظ ژئوپلیتیک در منطقه ای واقع شده است که کنشگری و رقابت در این منطقه برای قدرت های منطقه ای و بین المللی حائز اهمیت است. (اعظمی، ۱۳۹۷: ۲۷) همچنین اوکراین به جهت ویژگی های منحصر به فرد در شرق اروپا و منطقه اورآسیا از اهمیت استراتژیکی برخوردار است. (کولایی و صداقت، ۱۳۹۵: ۲۰۶) ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه سواستوپل جزیره کریمه استقرار یافته و این مکان برای روسیه اهمیت دارد. مشکل ناوگان دریای سیاه، نماد مهم تنش دو کشور بود که شامل اختلاف در مورد وضعیت خودگردانی و استقلال کریمه نیز می شد. (klmpush, 2015:238)

به همین دلیل روس ها اوکراین را به عنوان (منطقه گذار) و منطقه حائل جدا کننده کشورهای غربی از بلوک شرق میدیدند. با نگاهی به معنای کلمه اوکراین در زبان روسی به معنای کشور «لبه مرزی» مفهوم می گردد وجه تسمیه آن این که بر لبه کشورهای دیگر قرار گرفته و در طول تاریخ دائما میان کشورهای اطراف خود تقسیم شده است. (صالحی و سجادی، ۱۴۰۱: ۴۶) از جهت دیگر، اوکراین که منطقه حائل روسیه است به عنوان کریدور بین روسیه و غرب که انرژی از طریق آن منتقل می شود نیز برای روسیه دارای اهمیت است اوکراین از لحاظ انرژی کاملاً وابسته به روسیه است، و در مقابل روسیه که تولید کننده انرژی است به اوکراین جهت انتقال انرژی به اروپا نیاز دارد که همین امر هم یک «وابستگی متقابل» را بوجود آورده است همچنین این کشور فضای دسترسی مهمی برای کشورهای غربی به حوزه راهبردی اورآسیای مرکزی است. از این

جهت باتوجه به ویژگی‌های مناطق راهبردی این کشور، نقش مهمی را برای قدرت‌های جهانی دارد. (Ahamedipour, 2011: 20)

وقتی ریشه اوکراین و روسیه بررسی شد، اشاره شد که هر دو ملت اسلاو هستند و همچنین ساختارهای فرهنگی و زبانی مشابهی دارند طی قرون وسطی اوکراین، بخش جدا ناشدنی و از مناطق اصلی در فرهنگ اسلاوهای شرقی بوده است، تا حدی که فدراسیون قبیله ای روس - کیف، پایه ای برای هویت روس و اوکراین را تشکیل می داد. بی جهت نیست که کی یف را مادر شهرهای روس می نامند. (کلاتری و محمدی منفرد، ۱۴۰۲: ۱۸۸) بدین اعتبار روس‌ها همواره به دنبال تحقق پروژه «ملت بزرگ روسیه» از جمله بلاروس‌ها و اوکراینی‌ها می باشد. در مواجهه با شعار «ملت بزرگ روسیه»، نخبگان اوکراینی به فکر ایجاد یک ملت اوکراینی مستقل از روسیه با تاریخ، فرهنگ و زبان خود بوده و هستند. همانطور که در مقدمه هم قید گردید اوکراین در طول تاریخ و همچنین بعد از جنگ جهانی دوم نیز زیر سیطره روس‌ها بوده است، در طول دوره جنگ سرد اوکراینی‌ها همواره تلاش‌هایی برای استقلال داشتند که این تلاش‌ها ناکام مانده بود. و دولتمردان اوکراینی هیچ گاه نتوانسته‌اند در روابط خارجی به تعادل پایدار برسند تا از حساسیت‌های روسیه و کشورهای غربی نسبت به کشور خود بکاهند. (نسرین دخت، ۱۳۸۵: ۴۸) و پس از آن سیاست خارجی کی یف همواره میان و جمهوری فدراتیو روسیه در نوسان بوده است. (نونژاد و کریمی، ۱۳۹۶: ۱۴۶) اوکراین به عنوان سنگرگاه روسیه در برابر ناتو عمل کرده (بهمن، ۱۳۹۳: ۵۶) و از این‌رو روس‌ها از نفوذ و حضور غرب در خارج نزدیک با حیات خلوت خویش که اوکراین نیز جزئی از آن است واهمه دارند. (شاپوری، ۱۳۹۳: ۶۵)

وضعیت دیگری که باید به آن توجه داشت این است که اوکراین در مقایسه با سایر جمهوری‌ها در دوره اتحاد جماهیر شوروی در موقعیت ممتازتری قرار داشت، اوکراین یکی از سه جمهوری نماینده اتحاد جماهیر شوروی در مجمع عمومی سازمان ملل بود (دو جمهوری دیگر روسیه و بلاروس بودند). از سوی دیگر خروشچف (کروشف) هم که بعد از استالین بعنوان رهبر شوروی به قدرت رسید نیز اوکراینی است که این هم یکی از دلایل اهمیت اوکراین در دوره شوروی می تواند باشد.



جغرافیای اوکراین سوسیالیستی در خلال جنگ جهانی دوم نقش پر رنگی در تضعیف و شکست آلمان‌ها بازی کرده است و دلیل آن هم فرسایش نیروهای هیتلر از عبور در طول ۱۶۰۰ کیلومتری اوکراین است و به همین سبب این جغرافیا برای روسیه بعنوان سد در برابر اروپا و ناتو عمل می‌کند و اگر اوکراین به یک کشور هوادار غرب تبدیل شود عملاً فاصله غرب و ناتو با روسیه عملاً به ۴۰۰ کیلومتر کاهش پیدا می‌کند.

سرانجام در سال ۱۹۹۱ در جلسه مینسک، رهبران سه جمهوری سوسیالیستی اتحادیه جماهیر شوروی (روسیه، بلاروس و اوکراین که در سطور قبل مورد بحث واقع شد) گرد هم آمده و تصمیم به انحلال این اتحادیه سوسیالیستی گرفتند. پس از سلسله وقایع گسترده در مورد انحلال شوروی که مجال توضیح در این پژوهش به آن وجود ندارد و به اندازه کافی در مقالات دیگر به آن پرداخته شده است، اوکراین در زمان پس از انحلال شوروی تحت تاثیر جنبش‌های جدایی طلبانه (روس تبارهای ساکن در خاک اوکراین) در درون خود قرار گرفت که سرانجام با نوعی جلب رضایت از جدایی طلبان روس تبار در سال ۱۹۹۱ اعلامیه استقلال خود را در طی انتخاباتی به نظام بین الملل اعلام کرد و پس از آن هم قرار داد مودت بین اوکراین و روسیه (به عنوان میراث‌دار شوروی) به امضا رسید تا استقلال اوکراین از نظر قانونی هم به رسمیت شناخته شود.

۲- جنگ فدراسیون روسیه علیه اوکراین

جنگ روسیه علیه اوکراین که به عنوان بزرگترین عملیات نظامی پس از جنگ سرد در فوریه ۲۰۲۲ در پی اعلام استقلال مناطق روس تبار شرق اوکراین لوهانسک و دونتسک آغاز شد و معادلات منطقه ای و بین المللی را تغییر داده است.

امروزه بحران اوکراین بعنوان یکی از مهمترین شاخص‌های دگرگونی نظام بین الملل نشان داده می‌شود. تشدید بحران با اشغال شبه جزیره کریمه توسط روسیه در سال ۲۰۱۴ دارای علل داخلی، منطقه ای و جهانی بوده و پس از حمله و اشغال کریمه، پوتین برای اولین بار اعلام کرد که نظام تک قطبی به پایان رسیده است (sonmez.,2015:1)

همانطور که در این بند گفتیم شروع جنگ در اوکراین دارای علل داخلی و بین المللی می باشد که از آن جمله در بعد داخلی می توان به حضور ولادیمیر زلنسکی بعنوان رئیس جمهوری اوکراین که طرفدار پیوستن اوکراین به ناتو و اتحادیه اروپا بود، موجب تحریک حکام روسیه شد. در بعد بین المللی هم پس از اشغال شبه جزیره کریمه توسط روسیه در سال ۲۰۱۴، کشورهای غربی برای مهار روسیه تحریمهای گسترده ای علیه این کشور اعمال و موجی از انتقال مهمات و تسلیحات و جنگ افزارهای پیشرفته به اوکراین سرازیر کردند و در قبل از سال ۲۰۲۲ هم بصورت کاملاً سری توافقاتی برای پیوستن اوکراین به ناتو را انجام دادند که موجب تجمع خشم در سران روسیه شد.

بنابراین شاید لازم باشد که به این جنگ با چشم انداز ۸ ساله (اشغال شبه جزیره کریمه) و ۱۸ ساله (مجموعه حوادثی که به انقلاب نارنجی منجر شد) بنگریم که در ذیل بصورت تکمیلی به نقاط عطف و تاثیر گذار در شروع این جنگ می پردازیم.

۱- ۲ شروع اختلافات بین روسیه و اوکراین

از تاریخ فروپاشی شوروی تا سال ۲۰۰۵، اوکراین بی تردید در حوزه نفوذ روسیه قرار داشت و به نوعی حیاط خلوت آن محسوب می شد. اما در همان سال، طی انتخابات ریاست جمهوری، ویکتور یوشچنکو - که گرایش های غرب گرایانه داشت - به ریاست جمهوری برگزیده شد. (اشاره به «انقلاب نارنجی» و ابطال نتایج انتخابات پیشین که در آن ویکتور یانوکوویچ روس گرا پیروز شده بود).

در نتیجه، روسیه که با روی کار آمدن نیروهای غرب گرا نفوذ سنتی خود را در اوکراین از دست رفته می دید، تا سال ۲۰۱۰ با استفاده از ابزارهای دیپلماسی سیاسی و ایجاد محدودیت در صادرات و انتقال انرژی به این کشور، تلاش کرد دولت کی یف را تحت فشار قرار دهد. سرانجام، به دلیل نارضایتی عمومی از عملکرد دولت غرب گرایان، اعتماد مردم در انتخابات به سمت ویکتور یانوکوویچ - مخالف عضویت اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا و حامی روسیه - معطوف شد و او در سال ۲۰۱۰ به ریاست جمهوری رسید.



مجموعه این تحولات، نمودار چالشی مستمر میان حامیان پیوستن اوکراین به جبهه غرب و طرفداران همگرایی با روسیه بود؛ چالشی که از انقلاب نارنجی در سال ۲۰۰۵ آغاز شد و تا سال ۲۰۱۴ ادامه یافت. در این سال، با وجود دخالت آشکار بازیگران خارجی از جمله روسیه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده، در پی مجموعه‌ای از اعتصابات و تظاهرات خیابانی گسترده، یانوکوویچ با رأی پارلمان از مقام ریاست جمهوری خلع شد. این اقدام موجی از نارضایتی را در میان نمایندگان روس گرا و جمعیت روس تبار مناطق شبه جزیره کریمه، دونتسک، لوهانسک و دونباس - که در سال ۲۰۱۰ به او رأی داده بودند - برانگیخت. چنین شرایطی موجب تقویت گرایش‌های جدایی طلبانه در این مناطق شد و موجی از اعتراضات را در جنوب و جنوب شرق اوکراین - عمدتاً در میان روس تباران - به راه انداخت؛ امری که نهایتاً به مداخله نظامی روسیه در شبه جزیره کریمه و الحاق آن به خاک روسیه انجامید. این الحاق تاکنون از سوی دولت اوکراین به رسمیت شناخته نشده است.

این اقدام نه تنها روابط میان اوکراین و روسیه را به شدت متأثر ساخت، بلکه بزرگ‌ترین و جدی‌ترین بحران میان روسیه و غرب در دوران پس از جنگ سرد را رقم زد. به طور کلی می‌توان گفت اشغال شبه جزیره کریمه و الحاق آن از طریق همه‌پرسی به روسیه، موجب تحریک جمعیت روس تبار در مناطق دونتسک، لوهانسک و دونباس - واقع در شرق اوکراین و هم‌مرز با روسیه - شد؛ وضعیتی که عملاً به آغاز جنگ داخلی در اوکراین انجامید.

۲-۲ عوامل اصلی و بنیادی اختلافات بین اوکراین و روسیه

در سیر روند تاریخی یادشده، روسیه همواره اوکراین را زیر سایه خود دیده و استقلال آن را نوعی «انحراف موقت» توصیف کرده است. می‌توان این نگرش را با روابط تاریخی میان «رعیت و فرمانروای سابق»، «مستعمره و کلان‌شهر» و یا «پیرامون و مرکز» مقایسه کرد. از این منظر، روسیه بر پایه «دکترین محیط نزدیک» - که یک دکترین سیاسی، امنیتی و نظامی است و در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید - جمهوری‌های سابق شوروی را حیاط خلوت خود نامید.

در راستای اجرای این دکترین، روسیه با انعقاد قراردادهایی در حوزه‌های نظامی و اقتصادی با کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل همسود (CIS)، در پی افزایش وابستگی آن‌ها به خود بود. روسیه به‌ویژه برای اوکراین، ضمانت‌هایی را در قالب بسته‌های تحریمی و عوارض گمرکی وضع کرد تا مانع از نزدیکی این کشور به اتحادیه اروپا شود و تصریح کرد که در صورت گرایش اوکراین به غرب، می‌تواند با توسل به این اهرم‌ها، آن را تحت فشار و مجازات قرار دهد.

با وجود این شرایط و تهدیدها از سوی روسیه، اوکراین درخواست عضویت در ناتو را مطرح کرد. در مقابل، روسیه همچنان از «کارت انرژی» خود بهره می‌گیرد؛ زیرا استفاده از این اهرم نه تنها اوکراین - که در مسیر ترانزیت گاز روسیه قرار دارد - بلکه کل اروپا را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، پیوستن احتمالی اوکراین به ناتو، تهدیدی جدی برای امنیت ملی و موازنه نظامی روسیه در مرزهای غربی آن به شمار می‌آید. با ورود اوکراین به ناتو، استقرار رسمی تسلیحات نظامی، سامانه‌های موشکی، مراکز راداری و تجهیزات شنود این پیمان در خاک اوکراین، به منزله گسترش مستقیم زیرساخت‌های نظامی غرب تا مجاورت مرزهای روسیه خواهد بود.

۳- تأثیرات داخلی و بین‌المللی جنگ روسیه علیه اوکراین

جنگ روسیه و اوکراین نه تنها کشورهای منطقه، بلکه کل جهان را تحت تأثیر قرار داده است. بسیاری از پیش‌بینی‌هایی که در آغاز جنگ مطرح می‌شد، نادرست از آب درآمد و این جنگ - که از سال گذشته آغاز شده است - موجب ویرانی گسترده اوکراین گردیده است. دولت اوکراین تاکنون کنترل حدود یک‌ششم از خاک خود را از دست داده است.

اقتصاد اوکراین در حال تجربه بحرانی عمیق است، اما دلیل اصلی تلطیف یا کاهش محسوس آثار این بحران، کمک‌های مالی قابل توجه کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا است. بر اساس گزارش‌ها و داده‌های مالی منتشرشده، میزان حمایت‌های مالی و بسته‌های کمک غرب به اوکراین به حدود صد میلیارد دلار می‌رسد؛ رقمی که بزرگ‌ترین میزان حمایت مالی تاریخ معاصر از یک کشور درگیر جنگ محسوب می‌شود.



با این حال، پیامدهای جنگ محدود به اوکراین نبوده و سایر کشورها را نیز متأثر ساخته است. به گفته کارشناسان، دولت روسیه از انرژی به عنوان ابزاری راهبردی و در واقع «سلاح اقتصادی» استفاده می کند. قطع صادرات گاز روسیه به اتحادیه اروپا، بسیاری از کشورهای اروپایی را در وضعیت متزلزل قرار داده است، به گونه ای که آنان برای تأمین گاز طبیعی مایع، ناگزیر در برابر درهای واشنگتن صف کشیده اند. این وضعیت سبب شده است ایالات متحده یکی از اصلی ترین برندگان غیرمستقیم این جنگ باشد، زیرا توانسته است وابستگی انرژی اروپا را از روسیه به خود منتقل کند. از همین منظر می توان گفت که نفوذ سیاسی و اقتصادی آمریکا بر اروپا پس از آغاز جنگ افزایش یافته است.

در ابتدای جنگ، برخی پیش بینی می کردند که اقتصاد روسیه ظرف چند ماه فرو خواهد پاشید. هرچند این پیش بینی محقق نشد، اما حجم اقتصاد روسیه به دلیل کاهش سرانه تولید ناخالص داخلی - ناشی از توقف فروش گاز به اروپا - کوچک تر شد و مشکلات اقتصادی در ساختار داخلی این کشور به شدت احساس گردید.

از سوی دیگر، روسیه و اوکراین از بزرگ ترین تولیدکنندگان غلات، به ویژه گندم، در جهان به شمار می روند. با آغاز جنگ، روند صادرات و ترانزیت گندم و سایر غلات به مناطق مختلف جهان با اختلال روبه رو شد و در نتیجه، امنیت غذایی جهانی - به ویژه در کشورهای فقیر و آفریقایی - با مخاطرات جدی مواجه گردید

۴- ایران و جنگ روسیه و اوکراین

روسیه و ایران، به عنوان دو کشور هم جوار در شمال و جنوب دریای خزر، در طول تاریخ روابطی پرفرازونشیب را تجربه کرده اند. از جمله مهم ترین وقایع تاریخی میان دو کشور می توان به جنگ های ایران و روس و انعقاد معاهدات گلستان و ترکمانچای در دوره قاجار اشاره کرد.

در دوران حکومت پهلوی نیز که هم زمان با حاکمیت نظام سوسیالیستی و سلطه حزب کمونیست بر روسیه (اتحاد جماهیر شوروی) بود، روابط میان دو کشور چندان حسنه نبود. از مهم ترین رویدادهای آن دوره، اشغال مناطق شمالی ایران توسط نیروهای شوروی در جریان جنگ جهانی دوم است که در نهایت با خلع رضاشاه پهلوی و به قدرت رسیدن محمدرضاشاه همراه شد.

پس از سقوط حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سیاست «نه شرقی، نه غربی» و اصل عدم تعهد، از پیوستن به دو بلوک حاکم بر نظام بین‌الملل در دوران جنگ سرد پرهیز کرد. با این حال، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل کشورهای مشترک‌المنافع، ایران سیاست نزدیکی به جمهوری‌های تازه‌استقلال‌یافته، به‌ویژه روسیه را در پیش گرفت تا از ظرفیت‌های فنی، صنعتی و به‌طور خاص دانش هسته‌ای روسیه بهره‌مند شود. این رویکرد به تدریج موجب تقویت روابط دو کشور و تبدیل آن‌ها به دو متحد راهبردی شد. اوج این همکاری‌ها در دو مقطع پرونده هسته‌ای ایران و جنگ داخلی سوریه قابل مشاهده است.

در طول روابط دو کشور، گاه ایران از کارت روسیه در قالب حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل بهره‌برده است، و گاه روسیه از کارت ایران برای افزایش قدرت چانه‌زنی بین‌المللی خود استفاده کرده است.

در روابط متأخر ایران و روسیه، به‌ویژه پس از خروج آمریکا از برجام و روی کار آمدن دولت سیزدهم در ایران، سیاست «نگاه به شرق» به‌صورت عملی و راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نهادینه شد. گسترش ارتباطات با چین و روسیه، یکی از نمودهای اصلی این تغییر جهت است.

پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین، ایران از جمله کشورهایی بود که رئیس‌جمهور آن در تماس تلفنی با ولادیمیر پوتین، ضمن انتقاد از گسترش ناتو به شرق، آن را تهدیدی برای ثبات و امنیت منطقه دانست و مسئولیت آغاز جنگ را متوجه ناتو و غرب اعلام کرد؛ بدین معنا که ایران منطق اقدام روسیه را پذیرفت.

شایان ذکر است که در روزهای آغازین جنگ، مذاکرات احیای برجام میان ایران و تروئیکای اروپایی در جریان بود. در همان زمان، اتحادیه اروپا و آمریکا نیز تحریم‌هایی سنگین علیه روسیه اعمال کرده بودند. به نظر می‌رسد طرف‌های غربی تمایل داشتند با احیای سریع برجام، روسیه را بیش از پیش در انزوا قرار دهند. اما اختلافات سیاسی و اصرار ایران و غرب بر مواضع پیشین خود،



مانع از دستیابی به توافق شد. افزون بر این، کارشکنی های روسیه در مذاکرات وین - از جمله طرح پیشنهادهایی برای تضمین لغو تحریم های غرب علیه خود - نقش مهمی در شکست این مذاکرات ایفا کرد؛ اقدامی که می توان آن را یکی از بدترین بازی های دیپلماتیک روسیه به زیان ایران دانست.

اگرچه ایران چه در جریان الحاق شبه جزیره کریمه و چه در خصوص مناطق تازه الحاق شده شرق اوکراین، این اقدامات را به رسمیت نشناخته و آن مناطق را همچنان بخشی از خاک اوکراین می داند، اما غرب و دولت اوکراین، ایران را از حامیان اصلی روسیه تلقی می کنند. افزون بر این، کشورهای غربی و اوکراین، ایران را به فروش پهپادهای انتحاری و موشک های بالستیک به روسیه متهم کرده و تصاویری از بقایای این تجهیزات را در رسانه ها منتشر کرده اند. در مقابل، ایران هرگونه معامله تسلیحاتی با روسیه در جریان جنگ را تکذیب کرده و به طور رسمی هر نوع حمایت نظامی از روسیه را رد کرده است.

۵- سناریوهای موجود در جنگ روسیه و اوکراین و تاثیرات آن بر امنیت ملی

ایران

پیش بینی این که نتیجه این جنگ چگونه بر اوکراین، روسیه، غرب و ایران تاثیر خواهد گذاشت، بسیار دشوار است؛ با این حال، تصور شکل گیری نظم جدیدی در نظام بین الملل پس از پایان جنگ چندان دور از ذهن به نظر نمی رسد.

صرف نظر از نتیجه نهایی، این جنگ به باور بسیاری از ناظران، تأثیری عمیق بر ساختار و جهت گیری کلی سیاست جهانی بر جای خواهد گذاشت. آنچه جنگ اوکراین را به عنوان «یک لحظه تعیین کننده تاریخی» معرفی می کند، امکان وقوع انشعابی بزرگ در مسیر آینده جهان است. اگر روسیه شکست بزرگی متحمل شود، «نظم لیبرال جهانی» بار دیگر نفس تازه ای خواهد کشید و نیروهای تمامیت خواه و خودکامه در سراسر جهان عقب رانده خواهند شد. اما اگر پوتین به نوعی پیروزی دست یابد، سوی دیگر سکه یعنی تقویت گرایش های اقتدارگرایانه و تمامیت خواهی در نظام بین الملل نمایان خواهد شد؛ در چنین شرایطی، هنجارهای موجود علیه

کشورگشایی تضعیف می‌شود و دیگر قدرت‌های خودکامه نیز احتمالاً برای آغاز کارزارهای مشابه در مناطقی که شرایط ژئوپولیتیکی به نفعشان است، تشویق خواهند شد.

با این حال، باید دید آیا نتیجه نهایی جنگ، بر نظم بین‌المللی تأثیر ساختاری و پایدار خواهد داشت یا خیر.

به طور کلی، در تحلیل تأثیرات این جنگ بر امنیت ملی ایران، می‌توان سه سناریوی اصلی را متصور شد:

الف) پیروزی اوکراین بر روسیه،

ب) پیروزی روسیه بر اوکراین،

پ) فرسایشی شدن جنگ و ایجاد یک بن‌بست طولانی‌مدت.

در بخش بعد، هر یک از این سناریوها به صورت مشروح بررسی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحلیل خواهد شد.

الف) پیروزی اوکراین بر روسیه

با توجه به واقعیت‌های موجود در قبال جنگ روسیه علیه اوکراین، می‌توان پیروزی اوکراین را از منظرهای گوناگون نظامی و دیپلماتیک تعریف کرد.

از دیدگاه نظامی، روسیه در فوریه ۲۰۲۲ و هم‌زمان با آغاز تهاجم، قصد داشت ظرف چند روز به پایتخت اوکراین رسیده و دولت غرب‌گرای ولودیمیر زلنسکی را ساقط کند؛ اما نیروهای نظامی اوکراین با مقاومت سرسختانه خود مانع تحقق این هدف شدند. حتی بخش‌هایی از سرزمین‌های شرقی اوکراین که در مراحل نخستین جنگ به تصرف روسیه درآمده بود، با پاتک‌های نظامی و مقاومت همه‌جانبه نیروهای اوکراینی بازپس گرفته شد.

از دیدگاه دیپلماتیک نیز، حمایت همه‌جانبه قدرت‌های غربی از اوکراین - در قالب کمک‌های مالی، نظامی، سیاسی و اعمال تحریم‌های گسترده علیه روسیه - منجر به انزوای بین‌المللی و فشارهای اقتصادی شدید بر مسکو شده است. این روند، به نوعی پیروزی برای اوکراین محسوب می‌شود، چرا که توانسته است روسیه را در سطح بین‌المللی تضعیف کند.



به طور کلی می توان گفت پیروزی اوکراین در هر عرصه ای - چه در میدان نبرد، چه در دیپلماسی - به معنای شکست سیاسی و راهبردی روسیه است؛ رخدادی که می تواند خط بطلانی بر تلاش های ولادیمیر پوتین برای احیای «امپراتوری روسیه» و بازگرداندن سرزمین های سابق تحت نفوذش بکشد.

در رویکرد پیروزی اوکراین در جنگ با روسیه، با توجه به انزوای بین المللی و سرخوردگی اقتصادی روسیه و نیز استمرار تحریم های شدید غرب علیه این کشور، ایران می تواند با اتخاذ سیاست تنش زدایی و بهبود روابط با غرب، از فرصت ایجاد شده برای پر کردن شکاف ناشی از خروج کالاهای روسی از بازار جهانی استفاده کند. این به ویژه در حوزه انرژی، فرآورده های نفتی و سوخت اهمیت دارد، زیرا ایران قادر است بخشی از نیاز بازار اروپا را که پیش تر از روسیه تأمین می شد، جبران کند. در صورت شکست روسیه و پیروزی اوکراین، این بازار می تواند به صورت پایدار در اختیار ایران باقی بماند.

در چشم انداز تأثیرات جنگ روسیه علیه اوکراین بر امنیت ملی ایران، سناریوی پیروزی اوکراین و شکست روسیه با مجموعه ای از فرصت ها و تهدیدها همراه است.

در کوتاه مدت، ایران از روزهای نخست جنگ، با حمایت های دیپلماتیک و رسانه ای از روسیه همراه بود؛ موضوعی که موجب خشم کشورهای غربی شد. دولت های غربی در تقسیم بندی حامیان طرفین جنگ، ایران را در اردوگاه حامیان روسیه طبقه بندی کرده اند. همچنین، غرب شواهدی مبنی بر حمایت تسلیحاتی ایران از روسیه ارائه کرده و بر پایه آن، تحریم های جدیدی علیه ایران اعمال کرده است. نمود این نارضایتی در رفتار دیپلماتیک غرب نسبت به ایران آشکار است؛ به ویژه در روند مذاکرات احیای برجام، که حمایت آشکار ایران از روسیه سبب شد بی اعتمادی و فاصله سیاسی غرب از ایران افزایش یابد. این وضعیت موجب رکود در مذاکرات هسته ای و تشدید نوعی انزوای بین المللی ایران در حوزه های سیاسی و اقتصادی شده است.

علاوه بر پیامدهای سیاسی-دیپلماتیک، پیروزی اوکراین می تواند موجب تقویت روندهای نهادی در اروپا و ناتو شود؛ به ویژه اگر حمایت غرب از اوکراین ادامه یابد، روندهای ادغام دفاعی

و تعمیق توان تولید دفاعی اروپا سرعت می‌گیرد و احتمالاً برنامه‌های بازسازی اوکراین را به پروژه‌ای طولانی مدت و کلان منطقه‌ای تبدیل می‌کند. در این چشم‌انداز، امکان افزایش رسمی پیوندهای امنیتی اوکراین با ناتو یا ارتقاء همکاری‌های دفاعی-فنی با اعضای اتحادیه وجود دارد که ساختار امنیتی اروپا را بازطراحی می‌کند و رقابت فناوری نظامی را تشدید می‌نماید؛ امری که به نفع کشورهای عرضه‌کننده تسلیحات و تکنولوژی دفاعی خواهد بود. این تغییرات نهادی و صنعتی باید در تحلیل اثرگذاری بر امنیت ملی ایران لحاظ شوند، زیرا بازسازی و افزایش ظرفیت دفاعی اروپا می‌تواند الگوهای همکاری منطقه‌ای و بازارهای تسلیحاتی را دگرگون سازد و دروازه‌های جدیدی برای همکاری یا رقابت سیاسی در سطح بین‌المللی ایجاد کند^۱.

در بلندمدت، تأثیرات پیروزی اوکراین و شکست روسیه بر امنیت ملی ایران را می‌توان در سطح تحولات داخلی روسیه نیز مورد ارزیابی قرار داد. در صورت شکست روسیه از اوکراین، احتمال شکل‌گیری ناراضی‌های گسترده در میان نخبگان سیاسی و اقتصادی روسیه و در نهایت، بروز اعتراضات اجتماعی وجود دارد؛ امری که می‌تواند به تغییر دولت یا حتی دگرگونی در نوع نظام حکومتی روسیه منجر شود. چنین تحولی، به معنای از دست رفتن یکی از حامیان اصلی ایران در عرصه بین‌المللی خواهد بود و پیامدهای قابل توجهی برای امنیت ملی و موازنه سیاست خارجی ایران در پی خواهد داشت.

به صورت کلی می‌توان گفت پیروزی اوکراین در جنگ علیه روسیه، اعتبار و جایگاه بین‌المللی روسیه را به عنوان یکی از قدرت‌های در حال ظهور به شدت تضعیف می‌کند. از آنجا که نزدیکی راهبردی ایران و روسیه در دوران معاصر عمدتاً بر پایه مخالفت مشترک با ایالات متحده و چالش با هژمونی غرب استوار بوده است، شکست روسیه در این جنگ می‌تواند ایده مشترک دو کشور در زمین افول هژمونی آمریکا را بی‌اثر سازد و زمینه‌ساز انزوای بیشتر ایران در نظم بین‌المللی جدید شود.

۱- در صورت پیروزی اوکراین، محوریت امنیتی اتحادیه اروپا از حالت وابستگی به ناتو فاصله می‌گیرد و تمرکز بیشتری بر «استقلال راهبردی دفاعی» خواهد یافت. این تحول در بلندمدت می‌تواند شکاف میان ایالات متحده و اروپا را در موضوعات نظامی و انرژی افزایش دهد، و فرصت‌هایی برای کشورهای غیرغربی - از جمله ایران - در حوزه همکاری‌های انرژی و صنعتی فراهم کند.



ب) پیروزی روسیه بر اوکراین

در شرایط کنونی، سناریوی پیروزی روسیه را تنها می توان به عنوان نتیجه ای کم احتمال در نظر گرفت، به ویژه پس از پاتک های موفق اخیر نیروهای اوکراینی. هرچند ولادیمیر پوتین می توانست در مراحل پیشین جنگ، الحاق محدود برخی مناطق را به عنوان نوعی پیروزی به نمایش بگذارد، تحقق کامل چنین سناریویی تنها در صورتی قابل تصور است که کشورهای غربی به طور کامل حمایت خود از اوکراین را متوقف کنند.

در صحنه میدانی، روسیه با در اختیار داشتن حدود یک ششم از خاک اوکراین، از نوعی برتری نسبی نظامی برخوردار است و بنا به تحلیل بسیاری از ناظران، همین میزان کنترل بر اراضی اوکراین، قدرت چانه زنی قابل توجهی برای مسکو در برابر دولت کی یف و حامیان غربی آن فراهم کرده است. بر این اساس، در صورت تحقق پیروزی احتمالی روسیه، کرملین خواهد کوشید با بهره گیری از اهرم های فشار سیاسی و نظامی، نظم موجود بین المللی و ترتیبات امنیتی اروپا را دستخوش تغییر کند؛ به ویژه در موضوع جلوگیری از گسترش ناتو به شرق و عضویت کشورهای هم مرز با روسیه همچون فنلاند، سوئد و گرجستان.

در بُعد داخلی نیز، پیروزی در جنگ می تواند موجب تقویت حس میهن پرستی و افزایش مشروعیت دولت پوتین در افکار عمومی روسیه شود، به گونه ای که گروه های منتقد و مخالف داخلی در تنگنای سیاسی و اجتماعی بیشتری قرار گیرند.

با این حال، پیروزی احتمالی روسیه در جنگ لزوماً به معنای خروج از انزوای سیاسی و اقتصادی بین المللی نخواهد بود. تحریم های غرب علیه مسکو در کوتاه مدت و میان مدت همچنان پابرجا می ماند و اقتصاد روسیه را تحت فشار نگه خواهد داشت. در چنین شرایطی، روسیه ناچار خواهد بود بیش از پیش به سمت شرق دور و به ویژه چین متمایل شود؛ امری که با توجه به محدود شدن ابزارهای قدرت و چانه زنی بین المللی روسیه، سبب خواهد شد دست برتر در روابط دوجانبه با چین از آن پکن باشد و روسیه در موقعیت تابع یا فرودست تری در معادلات شرق قرار گیرد.

پیروزی روسیه احتمالاً موجب تقویت شبکه نفوذ این کشور در حوزه‌های خارج از اروپای شرقی از جمله قفقاز و بخش‌هایی از آفریقا می‌شود؛ روسیه در این سناریو می‌تواند نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را از طریق معاهدات امنیتی، قراردادهای اقتصادی و تقویت حضور نظامی-دریایی گسترش دهد. این تحرکات باعث افزایش رقابت بین بازیگران بزرگ (روسیه، چین، اتحادیه اروپا و آمریکا) در بازارهای انرژی و خطوط ترانزیتی خواهد شد و ایران باید اثرات این تغییر توزیع قدرت را بر دسترسی به بازارهای انرژی، مسیرهای ترانزیتی و گزینه‌های سیاست خارجی خود ارزیابی کند. افزون بر این، بازتعریف ترتیبات امنیتی منطقه‌ای ممکن است فرصت‌هایی برای ایران در به‌کارگیری دیپلماسی منطقه‌ای یا تقویت همکاری‌های چندجانبه فراهم آورد، اما همزمان ریسک‌های فشار غربی و بازتعریف پیمان‌ها را نیز افزایش می‌دهد.^۱

اما نگاه ایران به جنگ روسیه علیه اوکراین بیش از آن که در چارچوب یک رویداد منطقه‌ای یا صرفاً امنیتی تفسیر شود، در قالب تقابل نیابتی با جبهه غرب قابل تحلیل است؛ تقابلی که تا حدی با نوعی انگیزه انتقام‌جویانه از نظام سلطه و جبهه استکبار همراه است، جبهه‌ای که در نگاه سیاست‌گذاران ایرانی، اوکراین نمایندگی آن را بر عهده دارد.

با این حال، از منظر نگارنده، دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که جنگ روسیه علیه اوکراین و پیروزی احتمالی مسکو در این جنگ می‌تواند نظم تک‌قطبی کنونی جهان را به چالش کشیده یا حتی سرنگون کند. در چنین وضعیتی، توزیع قدرت جهانی میان شرق و غرب متعادل‌تر خواهد شد و مرکز ثقل نظام بین‌الملل به سمت شرق تغییر جهت می‌دهد.

در این چارچوب، حضور فعال ایران در کنار روسیه می‌تواند جایگاه جمهوری اسلامی را در نظم نوین در حال شکل‌گیری تقویت کرده و کشور را در قامت یک بازیگر مؤثر و تأثیرگذار بین‌المللی مطرح سازد؛ به‌ویژه در شرایطی که تحولات ژئوپلیتیکی آینده، از بازتعریف قدرت در شرق اوراسیا و منطقه خزر متأثر خواهد بود.

۱- پیروزی روسیه احتمال بازسازی سازمان‌های موازی ناتو مانند «سازمان پیمان امنیت جمعی» را افزایش می‌دهد. در این حالت، ایران می‌تواند با استفاده از دیپلماسی چندجانبه در آسیای مرکزی و قفقاز، موقعیت خود را به عنوان بازیگر ثبات‌ساز منطقه‌ای تقویت کند، مشروط بر آنکه از گرفتار شدن در رقابت بلوک‌ها پرهیز کند.



پ) فرسایشی بودن جنگ و ایجاد یک بن بست طولانی

در چشم‌انداز طولانی‌تر شدن جنگ در میدان نبرد، همه چیز به میزان توانایی طرفین منازعه در جلوگیری از پیشروی قابل توجه یکدیگر بستگی دارد. با این حال، در نگاهی عمیق‌تر و بر اساس شواهد موجود، اگر رهبران روسیه احساس کنند که در میدان جنگ پیشرفتی حاصل نمی‌شود و نبرد به وضعیت فرسایشی رسیده است، احتمال دارد برای تغییر موازنه جنگ، به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی علیه اوکراین متوسل شوند؛ موضوعی که خود می‌تواند پیامدهای امنیتی و انسانی گسترده‌ای برای منطقه و جهان به دنبال داشته باشد.

در بُعد داخلی نیز، فرسایشی شدن جنگ به تدریج بر وضعیت اقتصادی روسیه، روحیه سربازان و میزان رضایت عمومی مردم تأثیر منفی خواهد گذاشت. ادامه این روند می‌تواند مشروعیت نظام سیاسی روسیه را با چالش روبه‌رو کند و در نهایت، به شکل اعتصابات، ناآرامی‌های داخلی و تضعیف انسجام ملی خود را نشان دهد.

در سناریوی فرسایشی، یکی از ویژگی‌های بارز، تأثیر ساختاری بر یکپارچگی ناتو و توان بازدارندگی متحدین خواهد بود؛ اختلافات درون اتحادیه اروپا و میان اعضای ناتو بر سر بار تأمین تسلیحات، پشتیبانی مالی و اولویت‌بندی منافع منطقه‌ای می‌تواند انسجام غرب را کاهش دهد. از منظر اقتصادی-غذایی، ادامه دار بودن جنگ به اختلالات پایدار در صادرات غلات و زنجیره‌های کشاورزی منتهی می‌شود که کشورهای واردکننده را به جستجوی بازارها و شرکای جایگزین سوق می‌دهد — این فرصت یا تهدیدی برای ایران است که باید پیامدهای امنیت غذایی و دیپلماتیک آن را بسنجد. در این وضعیت بن‌بست، فضای میانجیگری دیپلماتیک میان طرفین بازتر می‌شود و ایران می‌تواند با اتخاذ یک نقش نیمه‌متعادل و فعال در روندهای میانجیگری و بازسازی، از فرصت‌های خروج از انزوای بهره‌بردار؛ اما همین دوران فرسایش، ریسک‌های تسلیحاتی و ادعاهای مربوط به انتقال فناوری/تسلیحات (و پیامدهای تحریمی ناشی از آن) را نیز تشدید می‌کند. بنابراین در مدار پایش این سناریو باید شاخص‌هایی برای «اختلال در بازار غلات»، «اختلال در مسیرهای انرژی/ترانزیت»، «تغییر در یکپارچگی ناتو» و «افزایش درخواست‌های میانجیگری از سوی بازیگران اروپایی» گنجانده شود.

اما اینکه تأثیر این سناریو بر امنیت ملی ایران چگونه خواهد بود، از دو منظر خوش‌بینانه و بدبینانه قابل بررسی است.

در بُعد خوش‌بینانه، در صورت بن‌بست و فرسایشی شدن جنگ، و تداوم چرخه تهاجمی روسیه و پاتک‌های اوکراین در میدان نبرد، جنگ در بن‌بست قرار گرفته و به یک منازعه بلندمدت تبدیل خواهد شد. تنها راه پایان دادن به چنین وضعیتی، میانجی‌گری و ارائه راه‌حل‌ها و ابتکارات دیپلماتیک از سوی شرکا و متحدان خواهد بود. این امر به معنای پویایی دیپلماسی ایران در صحنه بین‌المللی و کسب وجهه و خروج از انزوای سیاسی است. همچنین احتمال آن وجود دارد که کشورهای غربی، به دلیل روابط نزدیک ایران با روسیه، برای ایفای نقش میانجی در برقراری صلح به سراغ ایران بیایند؛ از مصادیق اخیر آن می‌توان به درخواست فرانسه از ایران برای برقراری مذاکرات اشاره کرد.

در بُعد بدبینانه، در صورت تداوم بن‌بست و فرسایشی شدن جنگ، احتمال کاهش یا اتمام ذخایر تسلیحاتی روسیه وجود دارد؛ در چنین شرایطی، این کشور ممکن است به خرید علنی تسلیحات از ایران روی آورد، که این امر در طول زمان می‌تواند به درگیر شدن غیرمستقیم ایران در جنگ بینجامد. با مقایسه سه سناریوی محتمل می‌توان نتیجه گرفت که هر یک از آن‌ها پیامدهایی متفاوت اما مرتبط با امنیت ملی ایران دارند. در سناریوی پیروزی اوکراین، ایران نیازمند بازنگری در تعامل با غرب و استفاده از شکاف‌های ژئواستراتژیکی در بازار اروپا خواهد بود؛ در سناریوی پیروزی روسیه، رویکرد «نگاه به شرق» تقویت می‌شود و ایران می‌تواند از محور مسکو-پکن-تهران برای گسترش نفوذ منطقه‌ای بهره‌گیری؛ و در سناریوی فرسایشی، فرصت بازیگری دیپلماتیک برای ایران فراهم می‌آید. این تطبیق نشان می‌دهد که در هر سه مسیر، دیپلماسی هوشمند، چندلایه و متوازن ایران عامل اصلی حفظ و تقویت امنیت ملی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

روسیه و اوکراین به عنوان دو ملت متفاوت از نژاد اسلاو، دارای پیشینه‌ای تاریخی و مشترک با یکدیگر هستند. پس از استحال اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ میلادی، در میان جمهوری‌های متولدشده از این فروپاشی، روسیه خود را میراث‌دار شوروی سابق می‌داند و پس



از به قدرت رسیدن پوتین، در پی احیای عظمت و قدرت شوروی پیشین برآمد. بنابراین پوتین، همانند رهبران پیشین شوروی، نسبت به غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا نگرشی خصمانه دارد و آن را دشمن اصلی و برجسته روسیه تلقی می کند.

در این دوره، شاهد نزدیکی میان ایالات متحده آمریکا و برخی جمهوری هایایی بودیم که پس از فروپاشی شوروی شکل گرفته بودند، از جمله اوکراین. از این رو، روسیه به عنوان کشوری که در نظم کنونی جهانی «تجدیدنظرطلب» محسوب می شود، با مشاهده رویکرد این کشورها - به ویژه اوکراین که از آن به عنوان «دروازه شرق» یاد می شود - به دلایلی که پوتین و روسیه داشتند، حمله ای پیش دستانه به اوکراین را آغاز کرد.

با شروع جنگ روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، صف بندی های گوناگونی در حمایت از طرفین شکل گرفت. حامیان هر دو طرف، علاوه بر حمایت های سیاسی، پشتیبانی های نظامی نیز از روسیه و اوکراین به عمل آوردند. از یک سو، آمریکا، اتحادیه اروپا، بریتانیا، ناتو و سایر متحدان، بدون دخالت مستقیم نظامی از اوکراین حمایت کردند؛ و از سوی دیگر، چین و ایران در این جنگ - بدون دخالت و کمک نظامی مستقیم - در کنار روسیه ایستادند. به همین سبب، این منازعه به دلیل صف بندی های یادشده، تأثیرات گسترده ای بر امنیت ملی کشورهای درگیر و ذی نفع بر جای گذاشته است و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

بر اساس تحلیل سناریویی انجام شده، پیشنهاد می شود سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر سه محور تنظیم گردد:

۱. تقویت تعاملات انرژی و ترانزیتی با کشورهای خزر و آسیای مرکزی برای بهره برداری از تحولات ژئواکونومیک پس از جنگ؛
۲. توسعه ظرفیت های دیپلماسی عمومی و میانجی گری فعال در منازعات بین المللی به ویژه در قالب سازمان های منطقه ای؛
۳. حفظ استقلال تصمیم گیری راهبردی از هر دو بلوک شرق و غرب به منظور جلوگیری از وابستگی امنیتی و سیاسی.

منابع

- نسرین دخت، نصرت (۱۳۸۵)، تغییرات سیاسی یا انقلاب، مورد اوکراین، رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۱۹۸
- نوژاد، محمد؛ کریمی، مرتضی (۱۳۹۶)، تقابل روسیه و اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار، صص: ۱۷۵-۱۴۵
- شاپوری، مهدی (۱۳۹۳)، بحران اوکراین: دلایل، پیامدها و چشم انداز، ماه نگار راهبردی دیده بان امنیت ملی، شماره ۲۴ و ۲۵، صص: ۷۲-۵۵
- بهمن، شعیب (۱۳۹۳)، بازیگران بحران اوکراین، مجله سیاسی-راهبردی بصائر، سال ۳۱، شماره ۳۴۰
- تاجیک و همکاران، هادی (۱۳۹۷)، سناریو نگاری به روش GBN (مطالعه موردی: اقدام نظامی عربستان علیه ایران)، فصلنامه آینده پژوهی دفاعی، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز.
- شوارتز، پیتر (۱۳۸۸)، هنر درونگری ترجمه عزیز علیزاده، تهران: انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- چرماک، توماس (۱۳۹۳)، برنامه ریزی بر پایه سناریو، ترجمه سعید خزایی، تهران: نشر علم آفرین.
- اعظمی، هادی؛ نظری، محمد؛ حسینی، سیدعلی (۱۳۹۷)، رقابت ژئوپلیتیک روسیه و آمریکا در اوکراین (۲۰۱۷-۲۰۰۴)، پژوهش نامه ایران سیاست بین الملل، سال ۶، شماره ۲، بهار و تابستان، صص: ۵۲-۲۱
- فلاحی، احسان؛ عامری، اسداله (۱۳۹۵)، ریشه های بحران اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان
- استادی، رسول؛ عرب بافرانی، محمدرضا (۱۳۹۹)، آینده پژوهی تهدیدات جهانی موثر بر انقلاب اسلامی، نشریه علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱، صص: ۴۶-۷.



- رکیبان و همکاران، رشید (۱۳۹۹)، آینده پژوهی سیاست امنیت انرژی چین در آسیای غربی، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ۴، شماره ۱۴، صص: ۱۴۱-۱۱۷.
- صالحی، حمید؛ سجادی، مرضیه السادات (۱۴۰۱)، مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲)، فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری، سال چهاردهم، پاییز، صص: ۷۴-۴۵
- کلانتری، فتح اله؛ محمدی منفرد (۱۴۰۲)، نتایج جنگ روسیه و اوکراین در شکل گیری نظم نوین جهانی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال بیست و یکم، شماره ۹۲، تابستان، مقاله نهم، صص: ۲۱۰-۱۷۸
- جباری، مسعود (۱۴۰۱)، بررسی روابط روسیه و آمریکا پس از بحران اوکراین و تاثیر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۰-۲۰۱۴)، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال چهارم، شماره ۴۵، تابستان، صص: ۱۰۰-۸۷
- وثوقی، سعید؛ صفری، عسکر؛ مرادی فر، سعیدی فر (۱۳۹۵)، تحولات اوکراین و تاثیر آن بر نظام بین الملل، فصلنامه راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره ۸۰، پاییز، صص: ۸۶-۶۷
- شیرمحمدی، مهدی (۱۴۰۲)، رویارویی تقابل روسیه و غرب در اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی ایران (به همراه پیشنهاد رویکردهای رسانه های)، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۷، شماره ۱، شماره پیاپی (۲۴)، بهار، صص: ۱۱۱-۸۷
- جاویدی، رقیه؛ بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۶)، سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۳۲، پاییز، صص ۳۰-۱
- اسکندری، حمید (۱۳۹۲)، الگوهای سناریو نویسی در مدیریت بحران، تهران، بوستان
- تیشه یار، ماندا (۱۳۹۰)، آینده پژوهی در مطالعات استراتژیک: تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی با همکاری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- کولایی، الهه، صداقت، محمد (۱۳۹۵)، بحران اوکراین و آیین نظامی روسیه، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان، صص: ۲۲۰-۲۰۵
- رستمی، محسن؛ زینلی بادی، حسین (۱۴۰۰)، بررسی اهمیت استراتژیک اوکراین برای اروپا و روسیه، فصلنامه دانش نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۴، پاییز، صص: ۱۴۸-۱۲۸
- Schnaars, Steven (1987), HOW to Develop and use scenarios, Long Range planning: vol20, NO, 1, pp105-114
- Klympush, Ivana (2015), "Ukraine and Russia: Strategic Partnership vs. Mutual Dependence", Available at: http://www.css.ethz.ch/publications/pdfs/Studien_zu_ZS-2.pdf, (Accessed on: 14/8/2015).
- Ahamedipour, Z., & Lashgari, E. (2011). Theoretical and Conceptual Recognition of the Concept of a Strategic Area in the Eurasian Superconductor, Central Eurasia Studies, International Center for Advanced Studies, 4(9), 20-1, Winter.

Scenarios of the Russia–Ukraine War and Its Consequences for Iran’s National Security

Parisa Habibi Souraki

*Ph.D. Graduate in International Relations, Science and Research Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)*

Mohammad Bagher Makramipour

*Ph.D. Graduate in Political Science and Islamic Revolution Studies, Department
of Political Science, School of Governance, Shahed University, Tehran, Iran*

Khalil Gholami

Ph.D. Candidate in International Relations, University of Guilan, Iran

Abstract

Russia and Ukraine are two distinct nations belonging to the Slavic ethnic group, sharing deep historical and cultural roots. During the Cold War, Ukraine, together with Russia and Belarus, constituted three autonomous republics within the Soviet Union that enjoyed a degree of relative independence in the international arena. At the same time, a form of intra-structural competition existed among these republics. Following the dissolution of the Soviet Union, all three became among the first republics to gain independence from within the Soviet system and were swiftly recognized by the international community.

In the wake of the political and military tensions between Russia and Ukraine, which ultimately led to the outbreak of war in 2022, profound transformations emerged within the international order. This war has had both direct and indirect implications for the national security of the Islamic Republic of Iran. Given Iran’s cautious and multidimensional approach toward this conflict, the central question of this study is formulated as follows:

What are the implications of the Russia–Ukraine war for Iran’s national security?

Accordingly, this research adopts a futures studies approach and examines the issue through three analytical scenarios:

- a) Victory of Ukraine over Russia,
- b) Victory of Russia over Ukraine,
- c) A protracted stalemate and war of attrition.

On this basis, the present study seeks to analyze the ongoing dynamics and key variables influencing the Russia–Ukraine conflict and to assess the various dimensions of its impact on Iran’s national security under each of the possible scenarios.

Keywords: Russia, Ukraine, War, National Security, Iran

